

عمیان

نشریه
شماره دوازدهم
آبان ماه
۱۳۹۰

مارگرت فولر:

زن می خواهد طبیعی باشد که رشد کند، ذهنی باشد که تمیز دهد، روحی باشد که آزاد زندگی کند و در شکوفایی قوای خود مانعی در سر راهش نباشد

Osyan.osyan@gmail.com

Osyan-zan.blogspot.com

facebook : osyanzan





مهر نامه

آزاده صمیمی

آنها تنها خرافه های مذهبی شان را بیان می کنند که خوب باید گفت اگر اینطور است پس خیابانها و سینماها و محیط های کاری گوناگون را هم تفکیک کنید. اما مسئله فراتر از اینهاست. مهم این است که می خواهند فکرو اندیشه دانشجویان و جوانان را از دانشگاه تفکیک کنند. ایجاد دوربین های مدار بسته و گیت های عبور مرور در دانشگاهها نشانه دیگری از هراس از دانشجو و دانشگاه است. البته مدارس هم از اینگونه طرحها از قافله عقب نمانده است. با وجود اینکه مدارس در ایران تک جنسیتی است اما نظر هایی مبنی بر ساخت مدارس البته فقط دخترانه ارائه شده که از ساختمانهای اطراف مشرف به مدرسه دید نداشته باشد. در مهر ماه، "ماه محبت و مهربانی"، حکم شلاق مرضیه وفا مهر تأیید شد. او به دلیل بازی در فیلم "تهران من، حراج" در خارج از کشور و البته به دلیل اینکه حجاب نداشته است ماهها در زندان بود. در سوی دیگر کشور دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد به دلیل یک قوطی آبجو بازداشت شد و بعد از چند روز بازداشت و چندین بار تجاوز و ۹۰ ضربه شلاق آزاد شد.

در ماه مهر، آمنه زنگنه دانشجوی ممتاز کارشناسی ارشد دانشگاه پلی تکنیک به دلیل کمبود امکانات دانشگاهی در حالیکه در یک دخمه به عنوان خوابگاه زندگی می کرده در حمام این دخمه به دلیل بخارات ناشی از اسید و در اصل به دلیل سهل انگاری مسئولان دانشگاهی جان خود را از دست داد. در پی این اتفاق، روز سه شنبه دوازدهم مهر ماه، دانشگاه پلی تکنیک تهران، صحنه اعتراض دانشجویانی بود که مرگ همکلاسی خود را ناشی از سهل انگاری و بی کفایتی مسئولان دانشگاه می دانستند.

روز دوشنبه ۱۸ مهر دانشجویان معترض پلی تکنیک وارد پنجمین روز تحصن و اعتراض صنفی خود شدند و این در حالی بود که دانشجویان به دلیل کشته شدن آمنه زنگنه خواستار برخورد با مسببین این حادثه و استعفای دکتر رهایی، ریاست دانشگاه، به همراه دکتر آرزو، معاون دانشجویی وی بودند، اما در مقابل مسئولین به جای پاسخگو بودن و پذیرش درخواست به حق دانشجویان برای آنان خط و نشان کشیده اند.

ماه مهر آمد و رفت. مهر ماه همیشه یاد آور درس و مدرسه است. مهر، ماه بهار تحصیل و علم و آگاهیست. اما مهر امسال برای خیلیها هیجان این بهار دانش را نداشت. از ماهها قبل موضوع تفکیک جنسیتی در دانشگاهها مطرح شد و تا مهر ماه تمامی دانشگاههای تهران و اکثر دانشگاههای دیگر این طرح را اجرا کردند. علاوه بر کلاسها، سلف های غذا هم از این طرح در امان نماندند. در حالی که استادان بسیاری هم اخراج و باز نشسته شده اند، باقیمانده ها باید برای هر درس دو برابر قبل وقت و انرژی بگذارند. اما مسئله فقط تفکیک جنسیتی نیست. بلکه علاوه بر این رشته ها را نیز تفکیک جنسیتی کردند. بیشتر رشته های علوم انسانی را به دخترها اختصاص دادند و رشته های فنی را به پسران. از این به بعد آنهایی که می خواهند به دانشگاه بروند باید علاقه شان را بر اساس جنسیت شان تنظیم کنند. اما آقایان به این فکر کرده اند که این دانشجویان وقتی فارغ التحصیل می شوند، به محیط های کاری مختلف می روند که مختلط است؟ قطعاً آنها به این موضوع واقفند. البته اگر تا چند سال آینده ادارات و شرکت ها بانک ها و ... تفکیک جنسیتی نشوند. چون اخیراً در رسانه صحبت از تفکیک جنسیتی بیمارستان ها شده است. اما موضوع دانشگاه مسئله دیگریست. دانشگاه به عنوان مرکز علم و آگاهی و به عنوان مکانی که تفکرات سیاسی جوانان شکوفا می شود و باز تاب آن در جامعه نمایان می گردد و در تمام طول تاریخ هم اینطور بوده به همین دلیل مورد توجه صاحبان قدرت است. کم شدن و یا حتی از بین رفتن نشریات دانشجویی در دانشگاهها و بسته شدن کانون های مختلف دانشجویی همگی موید این موضوع می باشد. البته

پاییز عربی برای زنان لیبی و...!



بعد از گذشت ماهها از آغاز خیزش و حرکتی که بهار عربی نامیده شد، رئیس جمهورهای مادام العمر و دیکتاتور در اثر مبارزات مردم جان به لب رسیده یا فراری شدند و یا تحت همان ارتشی که سالها همین دیکتاتورها

هدایتش می کردند "دستگیر و محاکمه" شدند و یا همچون قذافی به بدترین شکل کشته شدند. اما مهم، حکومت های جایگزین آنها است که نوید خوبی را برای مردم به همراه ندارد.

در این میان سرنوشت زنان باز هم بیشتر از همیشه نشان داد که چه راه سخت و پر تلاطمی را در راه مبارزه برای رهایی پیش رو دارند و همچنین بیشتر از همیشه پر رنگی مهر سیاسی بودن مسئله زنان خود را نمایان کرد. از سویی دیگر نبود یک رهبری و آلترناتیو واقعی مترقی و پیشرو و رهائیبخش که منافع اکثریت مردم به پا خواسته و زنان را نماینده گی کند به شدت حس می شود. در تمام این کشور ها علیرغم قوی بودن سنت و مذهب و در نتیجه ستم و خفقان شدید سالیان علیه زنان و با وجود شرکت زنان در این مبارزات در هیچ کدام از شعارهایی که مردم سر دادند نشانی از آزادی و رهایی زنان موجود نبود. در شب کناره گیری مبارک بعضی از مردان میدان التحریر جشن خود را با تجاوز دست جمعی به یک زن جشن گرفتند. در اولین ۸ مارس باز در همین میدان که سمبل آزادی مردم بود مردان، خشمگینانه زنان را با کتک و ناسزا به خانه هایشان راندند و گفتند زنان را چه به سیاست و آنها باید به بچه داری و شوهر داری شان مشغول باشند.

اما صحنه جنگ ناتو در لیبی تبدیل به خبر روز مره خبرگزاریها شده بود که خبر دستگیری و کشته شدن قذافی دوباره توجه همگان را به خود جلب کرد. مردم لیبی چند شبانه روز هلهله و شادی داشتند. بعد از مرگ قذافی مصطفی عبدالجلیل رهبر شورای انتقالی لیبی در سخنرانی به مناسبت آزادی لیبی گفت "قوانین کشور بر اساس شریعت و دستورات قرآنی تنظیم خواهد شد و قانون تک همسری لغو خواهد شد و به جای آن چند همسری جایگزین خواهد شد". با شنیدن این خبر تنها برای چند دقیقه تمام اخبار و سیر خیزش و حرکت مردم در خاور میانه از آغاز تا کنون و اخبار و تصاویر و کتابهایی که در باره انقلاب ۵۷ ایران را خوانده و شنیدیم از جلوی چشمانمان گذشت و فکر کردیم که چرا، واقعا چرا آنها باید به سرنوشتی مشابه به سرنوشت زنان و انقلاب ایران گرفتار شوند؟ آیا این خواسته واقعی مردم بود؟ سرپای وجودمان را خشم و فریاد فرا گرفته است اما این کافی نیست. باید آگاه بود تا خشم به ثمر بنشیند.

ما به عنوان جمعی از دختران ایرانی که خود را فعال و مبارز حقوق زنان می دانیم بر آن شدیم تا پیامان را به گوش هم سرنوشتان خود در خاور میانه و آفریقا با فریادی به وسعت خاور میانه و آفریقا و به وسعت آرزوهای تمام زنان و دختران این منطقه به گوش شما برسانیم.

برخوردی که امروز به شما می شود نشان از جامعه ای دارد که بعد از این برایتان ساخته خواهد شد. در انقلاب سر بریده شده سال ۱۳۵۷ در ایران هم همینطور شد. فرمان حجاب اجباری و در ادامه آن پایه گذاری قوانین کشور بر مبنای قوانین شریعت، ۳۳ سال است که جز عقب ماندگی و خفقان و سرکوب و در بند بودن و زن ستیزی برای زنان هیچ چیز دیگری به همراه نداشته است. مادران ما که در دل این انقلاب بودند انقلابشان با همدستی همین کشورها که با نیروی نظامی به لیبی حمله کردند به دست مرتجعین دیگری افتاد، آنها شعار سر دادند "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم" و ما که ۱-۲ نسل بعد از آنها هستیم این عقب گرد را

در نخستین روزهای ماه مهر "نهاد ل سحابی" دوست بهنام گنجی و کوهپار گودرزی که همراه آنها در مرداد ماه بازداشت و پس از ۳ روز آزاد شده بود خودکشی کرد. اگر چه اطرافیان سعی داشتند وانمود کنند که خودکشی او از سر افسردگی بوده و دیگر هیچ (شاید تحت فشار مجبور شدند) معلوم نشد که بر سر او و دوستش بهنام گنجی در زندان چه گذشت که در فاصله کمتر از ۱ ماه هر دوی آنها خود کشی کردند. با وجود اینکه مرگش دردناک و ناراحت کننده بود و نشانه ای دیگر از جنایتهای رژیم بر علیه جوانان معترض، اما عملکرد او جای دفاعی ندارد. اگر هر کدام از ما این رویه را پیش بگیریم پس چه کسانی باید بایستند و مبارزه کنند و مقاومت کنند. آنها همین را می خواهند. می خواهند خردمان کنند. می خواهند که بشکنیم. اما ما باید استوار باشیم. راست قامت. ممکن است در شرایطی به مراتب بدتر از اینها قرار بگیریم. اما باید روحیه مان را حفظ کنیم و نگذاریم که خاموشی مان قلب دشمن را شاد کند.

در میانه مهر ماه یکروز عصر در حال گذر از میدان فردوسی با صحنه عجیبی روبرو شدیم. دختران جوان سرخ پوش دور تا دور میدان ایستاده بودند و حرفی نمی زدند. از هر کس پرسیدیم کسی چیزی نمی دانست. چند روز بعد خبر در روزنامه ها و فیس بوک منتشر شد که بر اساس یک واقعیت قدیمی درباره زن سرخ پوشی به نام یاقوت و برای زنده نگهداشتن یاد او این حرکت صورت گرفته است. در بسیاری از سایتها از این حرکت به عنوان یک حرکت خود جوش نامبرده شده بود. اگر چه به نظر نمایاد خود جوش بوده باشه. شکلهای اعتراضی و همبستگی توی خفقان و سرکوب این جامعه خودشو به شکل های مختلف که گاهی هم عجیب غریبه نشون میده. اما ایکاش سازماندهی تر شده و رزمنده تر بود.

در ماه مهر دانشجویان دانشگاه زنجان در اعتراض به اجرای طرح جداسازی جنسیتی در صحن دانشگاه تجمع کردند. به گزارش دانشجویان، دانشجویان معترض دانشگاه زنجان در تجمع اعتراضی خود اعلام کرده بودند، در صورتی که دیوار میان بوفه پسران و دختران این دانشگاه برداشته نشود، مجددا تجمع اعتراضی برگزار خواهند کرد. تجمع گسترده اعتراض دانشجویان با خواندن سرود «یار دبستانی» آغاز و با سر دادن شعارهایی در مخالفت با طرح تفکیک جنسیتی مانند «تفکیک جنسیتی، توهین شخصیتی» و همچنین شعار «دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد» ادامه یافت.

یکی از دانشجویان دانشگاه زنجان در مورد ادامه این تجمع به دانشجویان گفت: "در ساعت ۱۲:۳۰ رئیس کل حراست دانشگاه، آقای قاسمی، در میان تجمع کنندگان حضور یافته و در همان ابتدا بیان کرد که قرار نیست که طرح تفکیک جنسیتی دانشجویان و دیوار بوفه برداشته شود. دانشجویان دوباره شعر یار دبستانی را سردادند و ایشان هم از میان تجمع کنندگان رفتند". در این میان چند درگیری کوچک میان بسیجی ها و دانشجویان هم روی داد.

وی افزود: "تجمع به مدت ۳ ساعت و نیم طول کشید که در نهایت هیچ کدام از مسئولین به جمع دانشجویان نیامدند و قرار شد که فردا دوباره ساعت یازده و نیم تجمع برگزار شود"

روز سه شنبه ۱۲ مهر ماه نیز صدها تن از دانشجویان دانشگاه زنجان در اعتراض به اجرای «طرح جداسازی جنسیتی در بوفه این دانشگاه، جداسازی اتوبوس های سرویس دانشجویان و همچنین اجرای طرح تفکیک جنسیتی در کتابخانه ی فنی و مهندسی»، در محوطه این دانشگاه دست به تجمع گسترده زده بودند.

در مهر ماه دانشجویان آذر بایجانی در ادامه مبارزات اخیر مردم آذر بایجان پیرامون خشک شدن دریاچه ارومیه و دستگیری تعداد زیادی از فعالین این منطقه فراخوان تجمع اعتراضی دادند *

منشأ خانواده

روشنک مینو



واژه family یا خانواده، واژه ای است که هم اکنون در اکثر نقاط دنیا معنی و مفهوم یکسانی دارد. در ایران اولین آموزه رسمی در این رابطه، "خانواده ی هاشمی" یا جمعی متشکل از یک زن و یک مرد و فرزندان آنهاست که در درس تعلیمات اجتماعی کلاس سوم دبستان فرا گرفتیم و آن جمع را به عنوان اولین گروه اجتماعی شناختیم. درس تعلیمات اجتماعی، قرار بود مثل سایر دروس دوره ابتدایی، پایه های علمی ما برای فراگیری علوم مختلف از جمله علوم اجتماعی را شکل دهد. اما در هیچ یک از مقاطع تحصیلی، جز خانواده ای با شکل و ساختار خانواده هاشمی که به جا مانده از مناسبات فئودالی است، هیچ تعریف دیگری از خانواده برای ما مطرح نشد و سیر تکامل این گروه اجتماعی مشخص نگردید. آیا خانواده به شکل خانواده هاشمی همیشه وجود داشته است؟ آیا این شکل از خانواده وارث آدم و حوا هستند؟ ما می خواهیم در خلال این سلسله مقالات علاوه بر پاسخگویی به این سوالات، سیر تاریخی شکل گیری خانواده را بیان نموده و نشان دهیم که خانواده هاشمی، تنها شکل خانواده در زندگی بشر نبوده و تنها شکل نیز باقی نخواهد ماند و برخلاف آموزه های نظام مردسالار، نقش زنان در خانواده، همیشه به شکل کنونی نبوده است. پژوهشگران بسیاری به بررسی سیر تکامل شرایط خویشاوندی در نظام های مختلف اجتماعی پرداخته اند. از جمله مطرح ترین منابع در این زمینه، کتاب "منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت" (۱) نوشته ی فردریش انگلس بر اساس بررسی های لوئیس مورگان است. در این مجموعه مقالات کوشش می شود؛ عمده مطالب این کتاب پیرامون سیر تکامل نظام خویشاوندی از نظام اشتراکی اولیه تا نظام تک همسری کنونی بیان شود، در ادامه ی مطالب، هم جهت با ترتیب فصول این کتاب، به شرایط شکل گیری دولت به دنبال شکل گیری مالکیت خصوصی، در راستای گذار از عصر بربریت به عصر تمدن می پردازیم.

با تمام وجودمان حس کردیم. ما همراه با همه زنان دست از مبارزه بر نمی داریم. شما هم نباید ساکت بمانید. آیا شما ماهها زندگی در جنگ و کشتار را تجربه کردید تا چند همسری جایگزین تک همسری شود؟ و این تنها مسئله نیست. این یعنی شما باید یک بره سر به زیر و فرمانبردار باشید. یعنی یک برده باشید. یعنی مرد در همه جا حرف اول را می زند و این فقط در ازدواج نیست بلکه در تمام سلولهای جامعه حضور خواهد داشت. از سویی دیگر از کشورهای که دیروز فرش قرمز برای قذافی پهن کردند و امروز به قتل ش می رسانند نباید غافل باشید. همه اینها عواقبی است که از طرف آنها و به دستور آنها ولی از طریق و به نام دست نشانده هایشان صورت میگیرد. آنها قذافی دیگری را با بسته بندی جدید به شما تحویل می دهند تا دیگر هوس شورش به سرتان نزنند و بعد بگویند دیدید این است نتیجه شورش و بعد مثال ایران را هم برایتان می آورند. نباید عراق و افغانستان را فراموش کنیم. ما وضعیت زنان را در این کشورها شاهدیم و هر روز می بینیم که چگونه قوانین شریعت را برای به بند کشیدن باز هم بیشتر زنان وضع می کنند. قذافی که به دست مردم زنده دستگیر شده بود را کشتند و نگذاشتند محاکمه شود تا هم دست خودشان در سالها غارتگری و همدستی با او در اختناق و سرکوب باز نشود و هم پروسه خاموش کردن و اسارت دوباره مردم کوتاه شود. کسانی که در شب جشن مردم تحت نام رهبران آینده لیبی شکل جامعه آتی شما را ترسیم کردند از همان قماش هستند که بیش از سی سال است جامعه ما را به بند کشیده اند و به عقب برده اند. این "رهبران" همان مرتجعین و دیکتاتورهای پیشین هستند که در ظاهر سعی می کنند خود را معتدل نشان دهند، اما در واقع میخواهند تحت حمایت واشینگتن و پاریس و لندن جهنم تازه ای را برای کل جامعه بخصوص زنان درست کنند. این تازه به قدرت رسیده ها می خواهند تلاشهای شما را پشتوانه حکومت شان کنند و جامعه ای به مراتب بدتر از گذشته برایتان بسازند. و این کار را با برنامه و آگاهانه صورت خواهد داد چرا که اینها قدرت شما در اعتراض و شورش را دیده اند به همین خاطر با نقشه های پیچیده در صدد خفه کردن صدای اعتراض شما هستند. اما شما نباید سکوت کنید.

جامعه ای که ما می خواهیم دور از دسترس نیست. جامعه ای که در آن انسانها و زنان بعنوان نیمی از دنیا آزاد باشند. در آن خرافه و زور و قوانین مذهبی حاکم نباشد. هیچ کس مالک و صاحب کس دیگری نباشد. هیچ جنسیت و نژاد و طبقه ای بر دیگری برتری نداشته باشد. این افق و جامعه نوین اکنون در مشت های شماس است و اگر آن را محکم در دستتان نگه ندارید ربه خواهد شد. از تجارب کشورهای دیگر و بالاخص ایران استفاده کنید. نگذارید که بنیادگرایان مرتجع سرنوشتتان را به دست گیرند.

همه ما زنان در نقاط مختلف دنیا از یک ستم مشترک رنج می بریم و باید بدانیم که در کنار هم هستیم و می توانیم به قطب قدرتمندی علیه تمام دولتهای مرد سالار و مرتجع دنیا تبدیل شویم. این مستلزم آگاهی و بیدار شدن است. رهبری و آلترناتیو مهمترین فاکتور هر مبارزه است. بدون آن و خودبخودی مبارزه کردن راه را برای فرصت طلبان که به مراتب بدتر از دیکتاتورهای پیشین هستند باز می کند و شما را به راحتی در دام آنها گرفتار می کند.

این پیام دختران ایران است به زنان منطقه خاور میانه و بالاخص لیبی. بدانید که ما در کنار شما هستیم و از شما حمایت می کنیم. هنوز فرصت برای تغییر هست آزادی و رهایی هر کدام از ما نوید آزادی کل زنان و بشریت را به همراه دارد.

وقت تنگ است بیا تا صف دشمن شکنیم!

نشریه عصیان

سوم آبان ۱۳۹۰

Osyan.osyan@gmail.com

Osyan-zan.blogspot.com

[Facebook:osyanzan](https://www.facebook.com/osyanzan)

مورگان می گوید که :

برای حسادت باقی نباشد؛ به عنوان قدیمی ترین شکل خانواده شناخته می شود. این شرایط به تدریج دچار محدودیت هایی در پیوند ازدواج می شود که مورگان، چهار مرحله ی زیر را به عنوان مراحل تکامل خانواده معرفی می کند.

۱ - خانواده هم خون

در این شکل از خانواده افرادی که متعلق به یک نسل باشند امکان ازدواج خواهند داشت. تمام پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها همگی شوهران و زنان یکدیگر هستند، همین امر در مورد فرزندان آنها، یعنی پدران و مادران صادق است، که مجدداً فرزندان آنها دایره سوم بارهای مشترک را تشکیل می دهند. این مرحله نسبت به مرحله اشتراکی اولیه تنها یک محدودیت را اعمال کرده است و این محدودیت عبارت است از اینکه افراد از رابطه جنسی با افراد در نسل های بعدی و قبلی محروم می گردند و گرنه زنان و مردان در هر نسل ضمن اینکه خواهران و برادران یکدیگر می باشند در عین حال زنان و شوهران مشترک یکدیگر نیز هستند.

۲ - خانواده پونالوایی

دومین مرحله در سازماندهی خانواده، بر محروم کردن خواهران و برادران از برقراری روابط جنسی استوار بود. این گام به پیش با توجه به تساوی سنی بیشتر طرفین، بینهایت مهمتر و مشکلتر از گام اول بود. برای نشان دادن ارکان و شرایط یک خانواده ی پونالوایی لازم است که ابتدا چند مفهوم اساسی پیرامون اعضای این نوع از خانواده مطرح گردد.

I. خواهر و برادر طبیعی - با توجه به آنکه در سیستم هم خون تمام افراد یک نسل، خواهران و برادران مشترک بوده و فرزندان مشترک مردان و زنان نسل قبل از خود بودند. خواهر و برادر طبیعی به دختر و پسر گفته می شود که یک زن آنها را به دنیا آورده باشد و به عبارت دیگر مادر طبیعی آنها یک نفر باشد

II. خواهر و برادر جانبی - فرزندان خواهران طبیعی، خواهران و برادران جانبی هستند. همچنین فرزندان برادران طبیعی، خواهران و برادران جانبی هستند و این دسته از خواهران و برادران نیز امکان ازدواج با یکدیگر ندارند.

III. تبار مؤنث - در تمام شکل های خانواده ی گروهی، پدر طفل معلوم نیست، ولی مادر معلوم است. گرچه وی تمام اطفال خانواده ی گروهی را فرزندان خود می داند. معهداً او فرزندان طبیعی خود را از دیگران باز می شناسد. بنابراین روشن است که هر جا که ازدواج گروهی وجود داشته باشد. نسب را فقط از طرق مادری می توان معین کرد.

IV. تیره - از هنگامی که محدودیت مقاربت جنسی بین تمام خواهر ها و برادر ها - منجمله دورترین خواهران و برادران جانبی - برقرار می شود. گروهی شامل خواهران طبیعی، خواهران جانبی، تمام فرزندانشان، برادران طبیعی و برادران جانبی از طرف مادر آنها، اعضای یک تیره شناخته می شوند. در اساس هر تیره متشکل از یک حلقه ی محدود و مستحکم از وابستگان خونی تبار مؤنث است.

اکنون که مفاهیم فوق بیان گردید می توانیم بهتر از قبل به تبیین ارکان خانواده ی پونالوایی بپردازیم :

به مجرد اینکه مفهوم ناشایست بودن مقاربت جنسی بین فرزندان یک مادر واحد بوجود آمد، مناسبات خانوادگی از شرایط خانواده ی هم خون به خانواده ی پونالوایی تغییر یافت. بدین ترتیب که یک یا چند گروه خواهر، هسته ی یک خانوار شدند و برادران طبیعی آنها هسته ی خانوار دیگری شدند. این خواهران همسرهای مشترک شوهر های مشترک

" خانواده، نمایشگر یک اصل فعال است. هیچگاه ایستا نیست بلکه از شرایط پائینتر به بالاتر ارتقاء می یابد. برعکس، سیستم های همخونی منفعل هستند و پس از دورانهای فترت طولانی، پیشرفت هایی را که خانواده کرده است منعکس می نمایند، و فقط هنگامی به طور ریشه ای تغییر می یابند که خانواده تغییر ریشه ای کرده باشد." مارکس اضافه می کند که " همین امر در مورد سیستم های سیاسی، حقوقی، مذهبی و فلسفی نیز به طور عام صادق است."

پژوهشگرانی که به مطالعه ی تاریخ جوامع پرداخته اند؛ یک شرایط ابتدایی در این زمینه تعریف می کنند که در این شرایط، مردان چند همسر بوده و در عین حال زنان نیز چند همسر بوده اند و به همین دلیل بچه هایی که به دنیا می آمدند؛ فرزندان مشترک آنها بودند. این شرایط در طول سالیان طولانی دستخوش تغییراتی می شود تا اینکه به تک همسری منتهی می شود. به طور خلاصه می توان گفت که تعداد افراد زیادی که بنابر شرایط فوق در یک ازدواج مشترک به سر می بردند، به مرور و به دلایل مختلفی محدود می شود تا اینکه فقط یک زوج باقی می ماند.

شرایط ازدواج اشتراکی یا همان شرایط ابتدایی ازدواج، همواره به واسطه افراد مختلفی تکذیب شده است. برخی از آنها شرایط زندگی میمونها را مورد مطالعه قرار داده و از آنجا که در میان آنها ازدواج اشتراکی دیده نشده است؛ نتیجه می گیرند که انسانها نیز هیچگاه چنین شرایطی را نداشته اند. اما اسپیناس با دلایل مناسبی، وجود چنین مرحله ای در زندگی بشر را به اثبات می رساند. او در کتاب جوامع حیوانی به صراحت می گوید: "گله عالیترین شکل گروه اجتماعی قابل مشاهده در میان حیوانات است. به نظر می رسد که [گله] از خانواده ها تشکیل شده باشد ولی از همان ابتدا خانواده و گله در تناقض با یکدیگرند و به نسبت معکوس هم تکامل می یابند." این جملات به شکل دقیقتر بدین معنی است که هر چه حیوانات تکامل بیشتری می یابند، گله و شرایط زندگی خانوادگی در میان آنها امکان حضور هم زمان ندارد بلکه ارتباط میان آنها متضاد است. اسپیناس در کتاب خود، به خوبی نشان می دهد که چگونه حسادت در میان حیوانات نر در هنگام جفت گیری، امکان شکل گیری گله را ضعیف می کند.

" جائیکه خانواده بهم خیلی نزدیک است وجود گله استثناء نادری است. از جانب دیگر گله تقریباً بصورت طبیعی در جائیکه مقاربت جنسی آزاد یا چند همسری حاکم است بوجود می آید. ... برای اینکه گله بوجود آید، علایق خانوادگی باید سست شده و فرد مجدداً آزاد شده باشد. به این علت است که اینقدر به ندرت گله های سازمان یافته را در میان پرندگان مشاهده می کنیم... از سوی دیگر، در میان پستانداران، جوامع کم و بیش سازمان یافته ای را می توان دید، دقیقاً به این علت که فرد در این مورد در خانواده ادغام نشده است... بدین طریق احساس جمعی گله، دشمنی، بزرگتر از احساس جمعی خانواده ندارد." (کتاب جوامع حیوانی، نوشته اسپیناس، فصل اول)

بنابراین اثبات می گردد که خانواده حیوانی و جامعه انسانی اولیه با هم شباهتی ندارند و انسان های اولیه که داشتند خود را توسط کار از مرحله حیوانی بالا می کشیدند، یا اصلاً خانواده ای نمی شناختند و یا حداکثر خانواده ای می شناختند که در میان حیوانات وجود نداشت.

گذار انسان از مرحله ی حیوانی را می توان به عنوان بزرگترین اتفاق در طبیعت تلقی نمود. برای تحقق این اتفاق بزرگ به عاملی نیاز بود که نیروی انسان را برای شکل دادن به این تحول اساسی افزایش دهد. این عامل مهم، نیروی متحد گله بود که اجتناب از حسادت در میان جنس نر، شرط اولیه برای شکل گیری آن بود. بنابراین ازدواج گروهی، شرایطی که در آن تمامی زنان و مردان، ازدواج اشتراکی داشته باشند و جایی

اظهارات ضد زن سلحشور و برخورد بازیگران زن



فرج الله سلحشور کارگردان فیلم ها و سریال های مذهبی، با اشاره به برخی صحبت‌ها درباره حضور آنجلینا جولی در ایران و بازی در یک فیلم سینمایی گفت: هنرپیشه‌های زن ایران خودشان یک پا آنجلینا جولی هستند و سینمای ایران باید هم برای ادامه فعالیت خود فاحشه بین المللی بیاورد. فرج الله سلحشور با اشاره به حضور آنجلینا جولی بازیگر شناخته شده سینمای هالیوود به ایران به خبرنگار فرهنگی پانا گفت: باید دید چه شخصی اجازه می‌دهد آنجلینا جولی به ایران بیاید، آمدن آنجلینا جولی به ایران اتفاق خوبی است، برای سینمایی که فاحشه خانه است. این سینما باید هم برای ادامه فعالیت خود فاحشه بین المللی بیاورد.

حرف های او که کارگردان فیلم هایی مثل اصحاب کهف و یوسف پیامبر است واکنش های زیادی از جمله جوابیه ای با امضای پنج تن از بازیگران، ترانه علیدوستی، پگاه آهنگرانی، نگار جواهریان، هانیه توسلی و باران کوثری، در پی داشت. بخشی از این یادداشت بدین شرح است: "جناب آقای سلحشور، از این که می بینیم آن همه پرداختن به زوایای نورانی زندگی پیامبران و سرمشق قرار دادن منش ایشان تاثیری در کلامتان نداشته، و در نهایت شهرتتان را از نفرت پراکنی و بی ادبی در برابر هم نوعانتان به دست آورده اید، بسیار متأسفیم " و در ادامه "ای کاش لطف کنید سینمایی را که خجالت می کشیم بگوییم شما را یاد کجا می اندازد به حال خود رها کنید، شاید که رستگار شوید و آرامش و صلح و محبت به وجدان نگرانان بازگردد." پس از انتشار این بیانیه فرج الله سلحشور در گفت و گویی از بازیگران زن ایرانی عذرخواهی کرد. هر چند که او در صحبت هایش گفت که به هر حال در سینمای ما بازیگران ناباب هم وجود دارد.

تمامی اظهارات سلحشور ریشه در دیدگاه های مذهبی او دارد و این نگرش نگرشی مذهبی و مرد سالارانه است. آنچه که بسیار باعث تعجب است این است که زنان بازیگر در جواب به اظهارات سلحشور از نگرشی مذهبی بهره می برند. همان پیامبران و افرادی که خانم های بازیگر الگوی سلحشور قرار می دهند وظیفه و رسالتشان هر چه بیشتر در بند نمودن زنان و استوار کردن پایه های زن ستیزی و مرد سالاری بوده است *

خود بودند، ولی برادران آنها از این رابطه خارج بودند. این شوهران دیگری یکدیگر را برادر خطاب نمی کردند (در خانواده ی هم خون تمامی پسران یک نسل برادر یکدیگر بودند) بلکه پونالوا، یعنی همراه، صمیمی و شریک خطاب می کردند. به همین طریق یک گروه از برادران طبیعی یا جانبی، یک عده زن را که خواهران آنها نبودند، مشترکا به همسری داشتند و این زنان نیز یکدیگر را پونالوا خطاب می کردند. این شکل اساسی خانواده پونالوایی است: تجمع متقابل زنان و شوهران در یک محفل خانوادگی معین که برادران طبیعی و جانبی از آن خارج بودند و عکس آن نیز درباره خواهرهای شوهرها صادق بوده است.

۳ - خانواده یارگیر

در ازدواج گروهی - یا حتی قبل از آن - یارگیری برای دورانهای کوتاه و بلند، تا اندازه ای وجود داشت. یک مرد در میان زنان بشمارش، یک زن اصلی داشت و خود این مرد، از میان مردان دیگر، شوهر اصلی او بود. پیچیدگی روز افزون ممنوعیت های ازدواج، ازدواج های گروهی را پیش از پیش دشوار کرد؛ به جای این ازدواج ها خانواده یارگیر بوجود آمد. در این مرحله یک مرد با یک زن زندگی می کند. ولی چند همسری هنوز جزء حقوق ویژه مرد باقی می ماند و در مقابل در دورانی که زن و مرد با هم زندگی می کنند، از زن وفاداری اکید خواسته می شود ولی پیوند ازدواج می تواند به سهولت توسط طرفین فسخ شود و فرزندان مانند گذشته کماکان به مادر تعلق دارند.

در این محروم شدن روز افزون وابستگان خونی از پیوند ازدواج، انتخاب طبیعی نیز به عمل خود ادامه می دهد. به قول مورگان، ازدواج بین تیره های نا همخون یعنی ازدواج با افراد خارج از تیره ی مادری گرایش داشت که، از نظر جسمی و فکری، نژاد نیرومندتری بوجود آورد. هنگامی که دو قبیله پیش رونده، با یکدیگر ترکیب شده و یک خلق را می سازند جمجمه و مغز جدید به اندازه مجموع استعدادهای هر دو، عریض و طویل می شود. "

باکوفن یکی دیگر از پژوهشگرانی که در زمینه ی تاریخ خانواده تلاش نموده است؛ معتقد است که گذار از ازدواج گروهی به ازدواج یارگیر، در اصل توسط زنان انجام یافت و در توضیح دلیل این ادعا می گوید؛ هر چه روابط جنسی سنتی، خصلت ساده، اولیه و جنگلی خود را از دست می داد؛ روابط جنسی گروهی، بیش از پیش برای زنان خفت آور و ستمگرانه جلوه می کرد ... این پیشرفت نمی توانست از جانب مردان آغاز شده باشد، حداقل برای اینکه آنها هیچگاه - و نه حتی تا به امروز - تصور چشم پوشی از لذات ازدواج گروهی را نکرده اند. تنها پس از آنکه گذار به ازدواج یارگیری توسط زنان انجام شد، مردان توانستند یکتا همسری اکید را - البته فقط برای زنان - بوجود آورند.

در خانواده یارگیر، گروه، به آخرین واحد خود، به مولکول دو اتمی - یک مرد و یک زن - تقلیل یافته بود. در حقیقت تا مرحله ی خانواده ی یارگیر، انتخاب طبیعی، با محدود کردن افراد هم خون از ازدواج با یکدیگر، کار خود را به انجام رسانده بود. اگر هیچ عامل اجتماعی دیگری بوجود نمی آمد، دلیلی نداشت که پس از خانواده ی یارگیر، شکل نوینی از خانواده بوجود آید. اما مرحله ی کنونی یعنی خانواده ی تک همسر بوجود آمد *

ادامه دارد.....

در بخش بعدی، می بینیم که عامل گذار از خانواده یارگیر به تک همسری چیست؟ و ویژگی های این مرحله از زندگی بشر را شرح می دهیم.

(۱) منشا خانواده، مالکیت خصوصی و دولت" اثر فردریش انگلس - ترجمه: خسرو پارسا. چاپ اول: ۱۳۷۹ - انتشارات جامی

اخبار دختران

دختران دانشجو قربانی قتل های ناموسی

یک دانشجوی پسر در دانشگاه سمای کرمان با حمله به یک دانشجوی دختر در سر کلاس درس، در برابر دیدگان استاد دانشگاه و دانشجویان وی را با ضربات متعدد چاقو زخمی کرد. فاطمه که دانشجوی سال چهارم معماری است پیش از رفتن به کما به مسئولان بیمارستان گفته بود چهار ماه است که به عقد محمد درآمده اما دو ماهی بوده که به علت اختلاف، قصد جدایی از او را داشته است وی اکنون بیش از یک هفته است که در کما است. محمد در حال حاضر به اتهام جرح عمدی با چاقو و اخلاص در نظم دانشگاه از طریق جنجال و هیاهو با قرار بازداشت موقت روانه زندان شده و تحقیقات تکمیلی در حال انجام است. روزنامه اعتماد می افزاید در ماه های گذشته نزاع و قتل های دیگری نیز به دلیل شک در روابط بین دانشجویان در کشور رخ داده است. در روز چهارم مردادماه سال جاری مرد جوانی در کرج به دلیل شک به همسرش، او، مادر همسر و مردی دیگر را کشت. همچنین روز چهارشنبه ۱۵ تیرماه سال جاری دختری دانشجو به نام مهسا پس از رد درخواست رابطه دوستی با همکلاسی اش به نام کوشا مورد حمله وی قرار گرفت و با ۳۶ ضربه چاقو روی پل مدیریت تهران از پای درآمد. کوشا پسر ۲۴ ساله در روز سه شنبه ۲۲ شهریورماه در ملایم عام به دار آویخته شد. بر پایه آمارهای منتشر شده در چهار ماه نخست امسال ۷۶۵ قتل در کشور رخ داده که نسبت به زمان مشابه در سال پیش که ۷۳۳ مورد بوده رشد داشته است. ۲۵ خردادماه گذشته سرهنگ هادی مصطفایی، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی در گفت و گو با روزنامه ابتکار گفته بود در سال گذشته ۲۲ درصد از مقتول ها زن بودند که ۶۲ درصد از آن ها توسط بستگان خود به قتل رسیده اند.

انتظار بر این است که افراد دانشگاهی به واسطه ی رویارویی با مسائل علمی از دید مرفقی تری نسبت به سایر افراد جامعه برخوردار باشند. اما در شرایطی که دانشگاه ها بستری برای تحمیل جهل و خرافه می گردد، در جایی که دانشگاه به مسجد و قبرستان بدل شده و میان انسانها تفکیک جنسیتی اعمال می گردد. جایی برای تحقق چنین انتظاراتی وجود نخواهد داشت و در چنین شرایطی دانشگاه به عرصه ی مناسبات عقب مانده ی فئودالی و قتل های ناموسی تبدیل می شود. در دینی که پایه های قانونی این نظام را شکل می دهد؛ دست مردان برای اعمال ستم به زنان باز گذاشته می شود. اعدام های متعدد، قصاص و زندان راه برون رفت از ایده هایی از این دست نیست. روند به زیر کشیدن تابوهای فرهنگی و ترویج مناسبات مرفقی که در شان دانشگاه و تمامی انسانهاست بایستی از سوی دانشجویان رادیکال به الترناتیو آموزه های عقب مانده ی اسلامی که در برنامه ی اخیر اسلامی کردن دانشگاه ها یا به تعبیری عقب مانده کردن دانشگاه هاست مبدل شود.

باز هم حجاب

گزارش های جدید از دانشگاه علم و صنعت تهران حکایت از آن دارد که بعد از روی کار آمدن حسین صالح زاده، مسئول بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت به عنوان رییس دانشکده ی عمران دانشگاه، دانشجویان این دانشکده شاهد موجی از برخوردهای توهین آمیز از سوی وی بوده و در آخرین اقدام این مسئول نزدیک به نیروهای امنیتی، « ۱۵ دانشجوی دختر» این دانشگاه را که در «جلسه اجباری حجاب و عفاف» شرکت نکرده بودند، از ثبت نام در نیمسال تحصیلی جدید، محروم نموده است.

به گزارش دانشجویان، با تداوم شدت گرفتن موج محدود و محروم سازی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت تهران، اخیرا در اقدامی بی سابقه و غیر قانونی صالح زاده، مسئول بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت و رییس دانشکده ی عمران این دانشگاه، ثبت نام ۱۵ دانشجوی دختر این دانشکده را به دلیل عدم حضور در جلسه ی اجباری پیرامون موضوع حجاب که برای دانشجویان دختر برگزار کرده بود، لغو کرده و توسط مسئولین آموزش دانشکده اعلام کرده «از ثبت نام این دانشجویان در ترم آینده نیز جلوگیری به عمل خواهد آمد!»

گفته می شود در جلسه ی هفته ی گذشته که توسط رییس دانشکده به صورت اجباری برای دانشجویان دختر برگزار شده بود، صالح زاده ضمن تهدید دانشجویان به آن ها گفته بود در صورت رعایت نکردن مصادیق عفاف و حجاب با آن ها برخورد خواهد کرد.

وی این مصادیق را «پوشاندن تمام بدن غیر از قرص صورت و دست ها تا مچ» بیان کرده و افزود که اختلاط غیر علمی در دانشکده «ممنوع» می باشد.

ایشان همچنین در جلسه ی مذکور اعلام کرده اند نباید دانشجویان دختر و پسر به صورت جمعی یکدیگر را با «اسم کوچک» صدا کنند و یا به «گفت و گو و خنده با صدای بلند» بپردازند.

گفتنی است آقای صالح زاده بعد از انتصاب به عنوان رییس دانشکده ی عمران، برخوردهای فراقانونی خود با دانشجویان را نسبت به قبل شدت بخشیده، به طوری که در موارد متعددی که دانشجویان دختر و پسر در دانشکده ی عمران و اطراف آن مشغول صحبت کردن با هم بوده اند، کارت های دانشجویی شان را ضبط کرده و بعد از احضار آن ها به دفترش، آن ها را تهدید به اخراج از دانشگاه نموده و یا به بهانه ی بدحجابی شخصا به دانشجویان دختر تذکر داده و با برخوردی زننده آن ها را تهدید به محرومیت از تحصیل می کند!

تمامی این برخوردها در حالی است که با شروع نیمسال تحصیلی جدید برخوردها با دانشجویان علم و صنعت به بهانه ی عفاف و حجاب شدت بیشتری یافته و نیروهای حراست دانشگاه در هنگام ورود دانشجویان به دانشگاه و در صحن دانشگاه با گشت زنی های مختلف و بعضا سوار بر موتور با دانشجویان به بهانه هایی مانند اختلاط دانشجویان دختر پسر، سیگار کشیدن، ظاهر دانشجویان دختر و پسر و... برخورد می کنند.

گفته می شود این رفتارها به حدی توهین آمیز هستند که بعضا به درگیری لفظی بین دانشجویان و مأمورین حراست انجامیده و در موارد متعددی دانشجویان به اداره ی حراست دانشگاه احضار شده و مورد تهدید و بازجویی قرار گرفته اند.

بیانیه شماره ۱ دانشجویان دانشکده عمران پیرامون مسائل به وجود آمده توسط ریاست دانشکده:

"چندی پیش مطلع شدیم ریاست دانشکده در اقدامی غیرقانونی و به بهانه های واهی ثبت نام ۱۵ نفر از هم دانشکده ای های مان را معلق نموده و اعلام کرده اند که حتی اجازه ی حضور و ثبت نام در ترم آینده را نیز از ایشان دریغ خواهند نمود. که این امر با توجه به اینکه تعدادی از این دانشجویان از ورودی های جدید دانشکده می باشند بسیار نگران کننده می باشد. همان طور که همگی میدانیم ایشان قبل از این ماجرا نیز اقداماتی مشابه در این زمینه داشتند که موجب اعتراض و نارضایتی دانشجویان شده بود و هم اکنون این اقدامات از جایگاه ریاست دانشکده و با فراغ بال بیشتری صورت می پذیرد.



جشنواره ای برای تحقیر زنان

از روز سی ام مهر ماه سال جاری در مجتمع مسکونی شهید بهشتی وابسته به قرارگاه خاتم الانبیاء نمایشگاهی تحت عنوان نمایشگاه عفاف و حجاب برگزار گردیده است. نمایشگاه هایی از این دست که در دانشگاه ها و سایر مکانهای عمومی برای تأثیر گذاری بیشتر بر مردم نسبت به اهانت به زنان و تحقیر هر چه بیشتر زنان برای شرمندگی از بدن خود، بارها برگزار شده است. اما آنچه که این نمایشگاه را نسبت به نمونه های مشابه، مورد توجه قرار می دهد. عکس هایی برای به تصویر کشیدن نگاه های هرزه به اندام زنان است و اینکه عکس ها نشان می دهد که کودکان مقطع ابتدایی با وحشت این تصاویر را می نگرند و اثرات روحی و روانی آن بر این گروه سنی به مراتب مهم تر است.

همیشه شاهد بوده ایم که در موارد ناامنی زنان و نابسامانی های اجتماعی که زنان از آن رنج می برند؛ حجاب زنان مرکز توجه نظام جمهوری اسلامی برای توضیح آن رویداد بوده است. برای نمونه مواردی مثل تجاوز های دسته جمعی به زنان همواره به دلیل بدحجابی زنان تفسیر و توجیه شده است. اینبار نیز جمهوری اسلامی به واسطه اقدامات رسانه ای از این دست زنان را محدود می نماید و هیچگاه مردان و انسانهای بیماری مثل سران نظام، مورد محدودیت یا ارشاد قرار نگرفته اند. علاوه بر این موارد حجاب یکی از ابزار های سیاسی نظام برای هر چه فرمانپذیر تر نمودن زنان است و همین امر، وزارت دفاع و ارگانهای نظامی را ملزم به برگزاری چنین جشنواره ای می نماید *

اخراج اساتید غیرهمسو از همان بدو ورود به جایگاه ریاست، نادیده گرفتن شعور و کرامت انسانی دانشجویان، استفاده از جایگاه ریاست برای پیشبرد اهداف غیر آموزشی، عدم توجه به ارتقای سطح علمی دانشکده با ایجاد دغدغه و دلمشغولی های غیر درسی، ملزوم نمودن دانشجویان دختر به حضور در جلسه ای با ریاست و تهدید و ارباب دانشجویان به برخورد در صورت عدم اجرای خواسته های مدیریت که خود منجر به ایجاد فضای دلهره و ترس و افت سطح علمی دانشکده گردیده است، همگی نشان از احساس نگرانی و خطری است که هر دانشجویی را نسبت به آینده ی دانشکده بدبین می کند.

ما، دانشجویان دانشکده ی مهندسی عمران، ضمن اعتراض شدید نسبت به چنین حرکات فراقانونی از جانب ریاست دانشکده و با توجه به نبود شورای صنفی برای پیگیری مطالبات دانشجویی، در مرحله ی اول از اساتید مستقل و دلسوز دانشکده تقاضا می کنیم تا با استفاده از جایگاه و شان استادی خود و با بررسی شرایط و در نظر گرفتن حقوق دانشجویان، از حق انسانی و صنفی ما دانشجویان دفاع کنند و برای بازگرداندن فضای علمی توأم با آرامش به دانشکده تلاش نمایند.

در پایان ضمن ابراز امیدواری به تلطیف فضا با اقدام به موقع اساتید، اعلام میداریم در صورت عدم تحقق خواسته های به حق بدنه ی دانشجویان دانشکده از مطالبات خویش دست نمیکشیم و و به پیگیری حقوقمان ادامه خواهیم داد."